

بررسی ابعاد اجتماعی و جمعیتی وضعیت مهریه در ایران (مطالعه موردی: شهر تهران)

دکتر سیدمحمد سیدمیرزائی^۱، احمد رئوف^۲

چکیده

تحقیق حاضر با عنوان " بررسی ابعاد اجتماعی و جمعیتی وضعیت مهریه در ایران " انجام شده است. «در تعریف مهریه می‌توان گفت مالی است که در نتیجه عقد ازدواج با توجه به موقعیت اجتماعی و شخصیت زوجه و صفات و خصوصیات او از طرف شوهر به زن تسلیم می‌گردد یا به ملکیت او در می‌آید که ممکن است عین معین باشد مثل آپارتمان، باغ یا مقداری طلا و یا منافع مالی مانند اجاره ملکی و یا منفعی که از کار یا خدمات شخصی عاید می‌شود که مرد مکلف و ملزم است هر وقت زن آن را مطالبه نماید به وی تسلیم کند مگر اینکه موعده پرداخت یا تسلیم به وقت معینی موکول شده باشد که به آن مؤجل می‌گویند». روش انجام پژوهش، اسنادی می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، ابتدا فیش‌برداری از منابع مختلف و سپس از دو تکنیک استفاده شده است. اول از تکنیک که بر مبنای فرضیات تحقیق، سؤالاتی تهیه شد و با مراجعه به دادگاه و بررسی پرونده‌ها، تعداد ۱۵۰ پرونده از زنانی که مهریه خود را مطالبه نموده‌اند، انتخاب و اطلاعات لازم از آنها استخراج و در فرم‌ها درج گردیده است. و پرونده‌ها به شکل تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. واز تکنیک مصاحبه استفاده شده است. و تعداد ۱۵ نفر از زنان مراجعه کننده به دادگاه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، نمونه‌گیری شده است. سؤالاتی که بر اساس فرضیات تحقیق تدوین گردیده و مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌های آماری در دو بخش توصیفی و استنباطی به انجام رسیده است. در بخش توصیفی، از جداول توزیع فراوانی و نمودار استفاده شده است و در بخش استنباطی نیز با توجه به نوع متغیرهایی تحقیق، از آزمون خی - دو استفاده شده است

واژگان کلیدی: مهریه ، طلاق ، ازدواج، ابعاد اجتماعی، ابعاد جمعیتی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۶/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۵/۱۹

۱-استاد دانشگاه شهید بهشتی Seyedmirzaie@yahoo.com

۲-دانش آموخته جمعیت شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن (نویسنده مسئول) ahmadraoof55@Gmail.com

مقدمه

خانواده به عنوان مهمترین و باقداست‌ترین نهاد اجتماعی در عرصه روابط فردی و گروهی، از اهمیت ویژه و غیرقابل انکاری برخوردار می‌باشد. خانواده از دیرباز و به خصوص در قرون اخیر، موقعیت و مقام ممتازی را در بین کلیه تأسیسات حقوقی نوین و کهن احراز کرده است. اهمیت این نهاد اجتماعی در مجادله بی‌امان و مستمر تاریخ ملت‌ها به حدی است که هیچ یک از مکاتب سیاسی، اجتماعی و فلسفی از پرداختن به آن بی‌نیاز نبوده‌اند.

خانواده آمیزه‌ای ظریف از حقوق و اخلاق است. تردیدی نیست که بین حقوق و اخلاق و مذهب، ارتباط دامنهداری وجود دارد و آنچه به نظر مقبول می‌آید این است که در روابط خانوادگی، اخلاق بیشتر و مطمئن‌تر از قانون می‌تواند حاکم باشد (پولادی، ۱۳۸۳، ص ۱۲).

در جوامع سنتی، از زن به عنوان «جنس ضعیف» و «جنس دوم» یاد می‌کنند. عده‌ای فلسفه وجودی زن را ناتوانی طبیعت از آفریدن مرد عنوان کرده و زنان را نظر طبیعتشان همانند بردگان محکوم به اسارت دانسته‌اند و عده‌ای نیز آنان را از جرگه زندگی انسانی خارج، و در ردیف چارپایان و اموال غیرمنقول برشمرده و زنان را مایه مصیبت و بدبختی دانسته‌اند. (همان منبع، ص ۱۲). در مجامع غربی، به دنبال شکل‌گیری نهضت‌های علمی و فلسفی از قرن هفدهم و ایجاد حرکت‌های اجتماعی در جهت القای آزادی و مساوات برای تمامی افراد بشر، دفاع از حقوق زنان کم‌کم به صورت یک مسئله اجتماعی و سپس بین‌المللی در آمده است.

پس می‌بینیم که مصلحت اجتماعی ایجاب می‌کند مقنن در رابطه با مسائل مختلف از جمله در تعیین مهریه برخلاف توافق زوجین حین عقد نکاح دخالت کند تا در جهت جلوگیری از تضییع حقوقی زنان، مهریه را به نرخ روز محاسبه کند؛ که البته این عامل اگرچه برای جلوگیری از ضایع شدن حقوق زنان است، اما خود عامل بروز مشکلاتی در جهت افزایش طلاق و نابودی زندگی‌ها می‌باشد. در این مجموعه سعی بر آن داریم که ابتدا به بیان کلی مسئله و سیر تاریخی آن پرداخته شود سپس به بررسی معانی لغوی و اصطلاحی مهریه و واژگان مترادف آن و بیان قوانین مدنی پردازیم و در نهایت با تکیه بر روش میدانی و کتابخانه‌ای راهکارهای عملی در کاهش معضلات و مشکلات فرا روی مطالبه مهریه ارائه دهیم.

بیان مسئله

مهریه در نظام حقوقی خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به عنوان یکی از حقوق مالی زن در جریان ازدواج، تاکنون کمتر مورد توجه منظرهای غیر حقوقی قرار گرفته است. سیره قوی و عملی ائمه و بزرگان نیز همواره به این امر تاکید نموده و سبک بودن میزان آن را به عنوان یک هدیه از طرف مرد توصیه کرده‌اند؛ ولی در گذر زمان این نوع نگرش متحول شده و مهریه به طور بی‌رویه افزایش یافته و به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده است. سنت پرداخت مهریه ضمن چیزی مشابه آن، یک سنت دیرپا و کهن از نظام‌های مختلف حقوقی خانواده در بین تمدن‌های پیشین بوده است. از جمله کارکردهای اجتماعی مهریه، ارضای نیاز فطری، بیمه اجتماعی، احساس امنیت نسبت به آینده و ارزش نمادین ذکر شده است. در عصر کنونی مهریه علیرغم سفارش به سبک گرفتن میزان آن در حال افزایش است که پیامدهایی از جمله تغییر در نوع همسرگزینی، کاهش نرخ ازدواج، ایجاد خصومت و دشمنی، احتمال سوداگری و موارد دیگر به همراه دارد.

ازدواج و همسرگزینی یکی از مراحل مهم زندگی در جوامع، از جمله ایران تلقی می‌شود، «با توجه به این امر که همیشه شرایط اجتماعی خاصی را در جامعه ایران باید در ذهن داشت. زیرا هر چند که الگوهای زندگی شهری و صنعتی بر جامعه نفوذ کرده است، اما هنوز دولت مسئولیتی روشن در برابر حقوق افراد بر عهده نگرفته و بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که زوجهای جوان، هنوز تحت تأثیر انتظارات دوران ماقبل توسعه یافتگی قرارگیرند و روی تعهدات ضمنی و پشتیبانیهای منطبق با رفتارهای سنتی، حساب باز کنند. مهریه یا صداق در جامعه ما بنا بر سنت اجتماعی - فرهنگی نوعی هدیه از سوی مرد به زن میباشد به این معنی که برای زنانی که دارای پشتوانه اقتصادی نیستند در روزهای سخت زندگی می‌تواند مایه امید و اطمینان وی باشد، در قانون مدنی ایران مهریه حقی است که شرعی و قانونی بوده و به مجرد عقد، زن مالک آن می‌شود و هرگونه دخل و تصرفی را در آن می‌تواند بنماید. حال در این تحقیق سعی بر آن داریم که با بررسی‌های آماری، ابعاد اجتماعی و جمعیتی نرخ ازدواج و طلاق را در طی دو دهه مطالعه نموده و رابطه میان میزان مهریه و طلاقها را در دهه‌های ۷۰ تا ۸۰ تاکنون بدست آوریم و انواع مهریه را در بعد قشربندی اجتماعی و اقتصادی، مطالعه کنیم. «غالباً این تصور وجود دارد که تنها از طریق مهریه بالا می‌تواند از وقوع طلاق جلوگیری کرده یا زندگی پس از طلاق را تامین کند. در غیر از موارد

معدود آیا میزان مهریه آنقدر هست که زن مطلقه قادر به سرمایه‌گذاری و استفاده از سود سرمایه خود، در تمام عمر باشد؟، علاوه بر آن معمولاً پرداخت مهریه پس از طلاق بصورت اقساط و معمولاً هم بصورت نامنظم است. این سؤال پیش می‌آید هنگامی که پرداخت مهریه بصورت اقساط صورت می‌گیرد، آیا توانمندسازی اقتصادی زنان مطلقه برای دفاع از حقوق اجتماعی آنان، اجتناب‌ناپذیر نیست؟ و آیا تناقضی بین قوانین ولزوم توانمندسازی احساس نمی‌شود؟ از این‌رو بررسی همه‌جانبه آن به منظور ریشه‌یابی مسأله و ارائه راه‌حل‌های ممکن ضروری است.

«امروزه کارکرد اصلی مهریه، که در اسلام هدیه ای است که، هنگام ازدواج مرد به زن می‌دهد، از میان رفته است و بیشتر به آن به مثابه ابزار و حربه‌ای برای روز مبادا نگریسته می‌شود، هم‌اکنون پرونده‌های متعددی راجع به مهریه در دادگاه‌های خانواده مطرح است و در طی سالهای اخیر مطالبات مهریه، علاوه بر هنگام طلاق در زمان زندگی مشترک نیز افزایش یافته است که، نتیجه این امر، افزایش کشمکش در میان زن و شوهرها و حتی نوعروسان و تازه دامادها شده و بر تعداد زندانیان مهریه نیز افزوده است و بنیان خانواده‌ها را دچار تزلزل نموده است. از سوی دیگر وجود این اعتقاد که، (مهریه پرداختنی و گرفتنی نیست). سبب گردیده تا روز به روز بر میزان مهریه‌ها افزوده شده و به تعداد پیامبران سکه طلا تعیین می‌شود و گاهی هم وزن عروس، طلا و یا تعداد سال تولد عروس سکه طلا بعنوان میزانی برای تعیین مهریه در نظر گرفته می‌شود.» (جوانفر). در چنین اوضاعی گرایش جوانان به ازدواج به شدت رو به کاهش نهاده و علاوه بر آن چون بیکاری، حتی برای تحصیل کرده‌ها باعث تشدید عدم رغبت به ازدواج و افزایش سن ازدواج در میان جوانان کشور شده است و در نهایت با توجه به باورها و فرهنگ حاکم بر جامعه این دختران جوان هستند که باید تاوان سنگین این مشکلات را بپردازند و با بالا رفتن سن ازدواج، مطلوبیت و شانس انتخاب شدن را برای ازدواج از دست می‌دهند.

از سوی دیگر افزایش بزهکاری و انحراف‌ها و آسیب‌های اجتماعی و افزایش بی‌اعتمادی به مردان خواستگار نیز با افزایش میزان مهریه، بنظر می‌رسد رابطه‌ای مستقیم و غیر قابل انکار داشته باشد.

در این میان امروزه شاهد هستیم که در بسیاری از اختلافات خانوادگی مهریه بعنوان ابزاری در دست زن است که با به مطالبه آن به نوعی تلافی جویی از مرد می‌نماید، اما «بسیاری از افراد نیز

بدون آنکه کمترین کدورتی در زندگی داشته باشند به محاکم قضایی مراجعه و مهریه خود را مطالبه می نمایند» این مسئله ضرورت بازنگری قوانین مدنی و خانواده را بیش از پیش روشن می نماید زیرا قوانین جاری در کشور ما نتوانسته است آنطور که باید و شاید مشکلات حقوقی خانواده و زن را بخوبی حل نماید، مثلاً قانونی که به زنان اجازه می دهد فقط یک ساعت پس از عقد، مهریه خود را مطالبه قانونی نمایند، نه تنها زن را به حق واقعی خود نرسانده بلکه آسیب های اجتماعی جبران ناپذیری را بار خواهد آورد، که در دراز مدت آثار سوء آن بر جامعه و خود زنان نیز مشهود خواهد بود.

«آثار منفی محیط زندان بر مردان که بطور موقت تا تعیین تکلیف و اثبات اعسار آنان که گاهی به بیش از پانزده ماه نیز می رسد، غیر قابل انکار است، محیط آلوده زندان که آموزشگاه و مدرسه تکرار جرم محسوب می شود و وضعیت ناهنجار بهداشتی متعدد دیگری را در بر دارد و آسیب های اجتماعی برای خانواده چیز دیگری به ارمغان نخواهد آورد.»

با توجه به ابعاد تشریح شده، در این تحقیق ضرورت بررسی مهریه در جامعه امروز ما یکی از مهمترین مسائلی است که تمام مشکلات و معضلات خانواده هایی را که به نوعی در تضاد و تعارض حقوق زنان و مردان هستند آشکارتر می نماید، تا وقتی که موقعیت های زن و مرد نامساوی تلقی می شود و زنان برای ادامه زندگی هنوز وابسته به مردان هستند، مهریه آیا می تواند عاملی برای ایجاد تعادل در زندگی مشترک به شمار آید تا فقدان قوانین و حمایت های اجتماعی زنان را جبران کند؟

آیا تعیین مهریه های سنگین می تواند ضامن تداوم زندگی مشترک و مانع از هم پاشیدن خانواده در جامعه امروز ایران باشد؟

آیا پرداختن به این موضوع مهم (مهریه). یکی از نیازهای جامعه امروز ایران نیست؟ بنابر آنچه گفته شده حجم عظیم پرونده های طلاق و دادخواست های مطالبه مهریه از یک سو باعث گردیده که رسیدگی به این نوع پرونده ها ماهها و سالها بطول انجامد و زن و مرد را در گیر یک کشمکش بد فرجام نموده و گاهی اوقات باعث بلا تکلیفی هر دو می شود بطوری که آثار سوء اجتماعی و روانی آن، آسیب های اجتماعی و اخلاقی و روحی زیان باری را بر جامعه تحمیل می نماید که در دراز مدت سرمایه های انسانی و اخلاقی جامعه را به ورطه نابودی می کشد، بطوری که بسیاری از

قتلها، جنایتها و فسادهای اخلاقی نتیجه بلا تکلیفی و سرگردانی پرونده‌های خانوادگی ناشی از بالا بودن مهریه‌های مطالبه شده می‌باشد، هستند. بدین ترتیب موضوع مهریه یکی از مسائل مهم جامعه ما تلقی می‌شود که روز به روز پیچیده تر شده و توجه مسئولین و محققین را به خود جلب می‌نماید.

اهداف تحقیق

اهداف تحقیق می‌توانند در تجزیه و تحلیل نهایی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرند که بطور کلی شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر مطالبه مهریه توسط زنان عبارتند از:

- مطالعه و بررسی میزان مهریه زنان در مطالبه مهریه مؤثر است.
- مطالعه و بررسی داشتن و نداشتن فرزند بر روی مطالبه مهریه مؤثر است.
- مطالعه و بررسی موقعیت اجتماعی زنان بر میزان مطالبه مهریه مؤثر است.
- مطالعه و بررسی نوع شغل بر مطالبه مهریه مؤثر است.
- مطالعه و بررسی سطح تحصیلات بر روی مطالبه مهریه مؤثر است.
- مطالعه و بررسی نداشتن شغل بر روی مطالبه مهریه مؤثر است.
- مطالعه و بررسی داشتن سواد نابرابر بر روی مطالبه مهریه مؤثر است.

چارچوب نظری تحقیق

با مرور نظریه‌های جامعه‌شناسی و بررسی اجمالی آن‌ها به منظور استفاده در تبیین مهریه در ایران، نظریه‌های کارکردگرایی و مبادله (یا به اصطلاح ترنر، نظریه فایده‌گرا). برای تبیین موضوع از قابلیت بیشتری برخوردار بودند. در تبیین مهریه دو نظریه مطرح می‌باشد، از این‌رو توضیحی کوتاه درباره هر کدام از این دو نظریه به عنوان مقدمه ضروری می‌نماید.

نظریه کارکردگرایی

طبق نظریه کارکردگرایی، هر فرهنگ، مجموعه به هم پیوسته، یگانه و نسبتاً منسجمی است که باید آن را به عنوان یک کل ملاحظه و تبیین کرد؛ از این‌رو جدا کردن یک عنصر یا ویژگی فرهنگی [همچون مهریه] یا یک نهاد از بستر و زمینه اصلی آن، مانع از تبیین واقع‌بینانه آن خواهد بود؛ زیرا عناصر و ویژگی‌های فرهنگی در صورتی که خارج از موقعیت و جایگاه ساختاری‌شان در مجموعه مربوط و به گونه‌ای مستقل از ارتباط با سایر عناصر فرهنگی ملاحظه شوند، پدیده‌هایی

بی‌معنا و غیر قابل تفسیر خواهند بود. نظریه پردازان کارکردگرا از خاستگاه پدیده‌های اجتماعی و نیز پیامدها و کارکردهای آن پدیده بحث می‌کنند. به عبارت دیگر نه فقط به فلسفه وجودی پدیده-ها، بلکه به نتایج خواسته یا ناخواسته آن‌ها نیز توجه می‌کنند که نکته بسیار مهمی است. به تعبیر کوزر: «دورکیم میان پیامدهای کارکردی و انگیزش‌های فردی، آشکارا تمایز قائل می‌شود. در تبیین واقعیت اجتماعی، نشان دادن علت آن کافی نیست، بلکه ما باید در بیشتر موارد، کارکرد آن واقعیت را در تثبیت سازمان اجتماعی نیز نشان دهیم» (کوزر، ۱۳۸۰، ص ۲۰۰۲). با بهره‌گیری از این نظریه می‌توان جایگاه مهریه را در ارتباط با سایر عناصر موجود در نهاد خانواده به عنوان یکی از نیازهای محوری در نظام اجتماعی موجود دریافت؛ اینکه چگونه به وجود آمده و چه کارکردهایی دارد.

نظریه مبادله

نظریه مبادله، یک نظریه جامعه‌شناختی عملیاتی است و برای پژوهشگر فرصتی فراهم می‌سازد تا از آن درباره موضوعات جامعه‌شناختی، فرضیه‌هایی را استخراج و در قالب آن به مشاهده بپردازد. این نظریه بسیار گسترده است و از یک دیدگاه محدود و مکانیکی درخصوص بده و بستان [۱] چیزهای محدود فراتر می‌رود. نظریه مبادله، به مبادله اشیاء ملموس، احساسهای با ارزش، تکریم، همکاری، تأیید، فرصت‌ها، امتیازات، رنج، هزینه شرمساری و بسیاری از ابعاد روابط انسانی، توجه دارد و آنها را در برقراری ارتباط میان انسانها و برقراری نظم اجتماعی در گروهها و جوامع بررسی می‌کند. نظریه مبادله با رویکرد فردگرایانه وام‌دار و مدیون روان‌شناسی تجربی، فلسفه لذت‌جویی و برخی اصول اقتصاد است. از این رو، مبناء حرکت این نظریه فرد و همچنین واحد تحلیل و موضوع اصلی آن در تبیین مسأله‌های اجتماعی و موضوعات جامعه‌شناختی به خصوص در تبیین نظم، فرااجتماعی است. بنا به دیدگاه نظریه پردازان مبادله، "ساختار گروه به معنای تأثیر متقابل و پویای نیروهایی است که دارای منشاء فردی هستند (اسکیدمور، ص ۸۷)". چون افراد در تعامل، به همدیگر پاداش می‌دهند، از این رو، افراد اگر خواهان پاداش هستند می‌بایست تعامل کنند و به طور منظم با افرادی که پاداش‌ها را فراهم می‌آورند همکاری نمایند. از طرف دیگر افراد تلاش می‌کنند نرخ‌های مبادله چیزهایی که معامله می‌کنند را تثبیت و راههای دسترسی به آنها را مشخص و تسهیل نمایند. جیمز فریزر براساس یافته‌های پژوهشی خود که مبتنی

بردیدگاه مبادله است و با آن به تحلیل سازمان‌های اجتماعی می‌پردازد، اصول ذیل را به نظریه امروزی مبادله می‌افزاید (ریترز، ص ۴۰۷).

۱- فرآیندهای مبادله و ورود افراد به این فرآیندها، نتیجه انگیزه‌های افراد برای شناخت نیازهایش می‌باشد.

۲- فرآیندهای مبادله، نهادی شدن الگوهای کنش متقابل و فرهنگ را موجب می‌شود.

۳- شبکه‌های نهادی شده کنش متقابل نه فقط به نیازهای انسانی خدمت می‌کند، بلکه در برگزیده انواع ساخت و نظام اجتماعی هستند.

۴- در فرآیندهای مبادله، گروه‌ها و افراد برحسب میزان دسترسی به کالاهای با ارزش از نظر قدرت، امتیازات و جاهت اجتماعی ازهم متمایز می‌شوند.

با اینکه نظریه مبادله و یا جامعه‌شناسی رفتاری، رویکرد فردگرایانه دارد، لکن برخلاف سایر نظریه‌های جامعه‌شناسی خرد، تعریف گرایان و کنش متقابل نمادی برای فرد آزادی بسیار کمتری قائل است. پرین بانایاگام معتقد است، تعریف گرایان اجتماعی و اصحاب نظریه کنش متقابل نمادی، کنشگران را نیروهای پویا و خلاق در فرآیند کنش متقابل به شمار می‌آورند، چرا که کنشگران مورد نظر آنها، تنها در برابر محرکها واکنش نشان نمی‌دهند، بلکه آن محرکها را برای خود تفسیر می‌کنند و سپس بنا به تعریفی که از آنها می‌کنند، عمل می‌نمایند، از این رو، کنشگر پیوسته به صورت آگاهانه واقعیت‌های اجتماعی را می‌سازد، اما رفتارگرایان اجتماعی و پیروان نظریه مبادله، فعالیت و عمل کنشگران را آگاهانه فرض نمی‌کنند و معتقدند که کنش‌های فرد واکنشی ناآگاهانه در برابر محرکها است. محرکهای بیرونی واکنش یک فرد را تعیین می‌کند، بنابراین از نظر نظریه مبادله، تصویرکنشگر بسیار مکانیکی است و از این حیث افراد و کنشگران جامعه شبیه افراد و کنشگران نظریه‌های واقعیت اجتماعی و نظریه ساختی-کارکردی است.

در دید نظریه پردازان مبادله (فایده‌گرا)، انسان‌ها موجوداتی هستند که هدف و مقصود دارند. آن‌ها هزینه‌های هر یک از جایگزین‌های گوناگون را برای محقق ساختن اهداف مذکور محاسبه می‌کنند... ما موجوداتی هستیم که تلاش می‌کنیم تا در یک وضعیت، از یک سو منفعتی را جلب کرده و از سوی دیگر، هزینه‌ها را کاهش دهیم برای نظریه پردازان مبادله، در نهایت همه روابط

اجتماعی عبارتند از مبادلاتی که صورت می‌گیرد بین عاملانی که برای گرفتن منافع از یکدیگر هزینه‌هایی را متحمل شده و نسبت هزینه و سود را محاسبه می‌کنند (ترنر، ۱۳۷۸، ص ۵۵).

فرضیات تحقیق

در این تحقیق سعی بر آن داریم که رابطه معنی داری بین متغیرهای مستقل و وابسته ارائه نماییم که این روابط به ارائه فرضیات تحقیق زیر منجر شده است.

- به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات و علت مطالبه مهریه رابطه معنی داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نداشتن شغل و علت مطالبه مهریه رابطه معنی داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نوع شغل و علت مطالبه مهریه رابطه معنی داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان مهریه و علت مطالبه مهریه رابطه معنی داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سالهای ازدواج (قدمت) و علت مطالبه مهریه رابطه معنی داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین داشتن فرزند و علت مطالبه مهریه رابطه‌ای معنی دار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تعداد فرزند و علت مطالبه مهریه رابطه‌ای معنی دار وجود دارد.

روش تحقیق

یکی از مهمترین ابزار شناخت، «روش اسنادی» است که می‌توان آن را از جمله روش‌های غیرمزاحم و غیرواکنشی به حساب آورد. در روش اسنادی از اطلاعات موجود استفاده می‌شود. در مطالعه و بررسی علل و عوامل اجتماعی مطالبه مهریه، باید از مدارک و اسناد موجود استفاده کرد. در این تحقیق، مدارک و اسناد مورد نظر همان پرونده‌های موجود در دادگاه خانواده است که با گرفتن مجوز لازم، به بررسی مطالب و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از پرونده‌های شاکیان پرداخته و با استفاده از پرسشنامه، سعی در پر کردن آن به کمک پرونده‌های موجود کرده و مطالب را جمع‌آوری می‌کنیم.

بعد از پر کردن پرسشنامه‌ها، به تحلیل داده‌ها و بررسی آنها پرداخته و نتیجه‌گیری می‌کنیم. در پرسشنامه‌ها از سؤالات بسته و دو جوابی استفاده شده است.

در این تحقیق از روش مصاحبه نیز برای جمع‌آوری اطلاعات کمک گرفته می‌شود

جمعیت نمونه

در این تحقیق بر اساس موضوع که عوامل اجتماعی مؤثر در مطالبه مهریه است، جمعیت نمونه ما از زنانی تشکیل شده که وقوع عقد آنها اتفاق افتاده و سند ازدواج ایشان صادر شده است و بر اساس سند ازدواج دادخواست مطالبه مهریه کرده‌اند. در نتیجه این جمعیت مورد شامل زنانی است که سن و میزان تحصیل آنها و یا عوامل دیگر مشخص نشده‌اند، بلکه فقط تقاضای مطالبه مهریه کرده‌اند و به دادگاه مراجعه کرده و پرونده تشکیل داده‌اند و ممکن است این زنان ازدواج کرده و فرزند داشته یا نداشته باشند و یا فقط در دوران عقد به سر برده و هنوز به منزل شوهر نرفته باشند. در نتیجه متغیرهای این تحقیق گوناگون هستند از جمله سن، فرزند، شغل، میزان مهریه و عوامل دیگر که در پرونده‌ها آمده است و در مطالبه مهریه مؤثر بوده‌اند. پس حجم نمونه تنها عامل ازدواج زنان و تشکیل پرونده در دادگاه مورد نظر را شامل می‌باشد و از بین این گونه پرونده‌ها، اندازه نمونه مورد نظر انتخاب می‌شود.

یافته های تحقیق

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد که بین سطح تحصیلات و علت مطالبه مهریه توسط مراجعه کنندگان، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون خی - دو (۰/۱۱۱). که مقدار آن بیشتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌گیریم که دلیلی بر رد فرض صفر نداریم؛ بدین معنی که بین علت به مطالبه مهریه و سطح تحصیلات مراجعه کنندگان، رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

جدول شماره (۱) جدول توافقی سطح تحصیلات و علت مطالبه مهریه توسط مراجعه کننده‌ها

جمع	سطح تحصیلات مراجعه کننده‌ها				علت مطالبه مهریه	
	لیسانس و بالاتر	فوق دیپلم	دیپلم	زیر دیپلم		
۳۶	۳	۳	۱۷	۱۳	فراوانی	اختلاف مالی
%۳۰/۵	%۲۰/۰	%۲۵/۰	%۳۲/۱	%۳۴/۲	درصد	
۶۱	۹	۳	۳۱	۱۸	فراوانی	اختلاف غیر مالی
%۵۱/۷	%۶۰/۰	%۲۵/۰	%۵۸/۵	%۴۷/۴	درصد	
۱۰	۱	۲	۳	۴	فراوانی	فوت
%۸/۵	%۶/۷	%۱۶/۷	%۵/۷	%۱۰/۵	درصد	
۷	۲	۴	۱	۰	فراوانی	گرفتن طلاق
%۵/۹	%۱۳/۳	%۳۳/۳	%۱/۹	%۰/۰	درصد	
۴	۰	۰	۱	۳	فراوانی	ضرب و جرح
%۳/۴	%۰/۰	%۰/۰	%۱/۹	%۷/۹	درصد	
۱۱۸	۱۵	۱۲	۵۳	۳۸	فراوانی	جمع
%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	درصد	

$$N=118 \quad \chi^2=50/40 \quad df=30 \quad sig=0.00$$

تحلیل رابطه سطح تحصیلات و علت مطالبه مهریه

در رابطه با سطح تحصیلات و افزایش آگاهی و دانش انسان‌ها و به مراتب تأثیرگذاری آن بر روی عکس‌العمل و رفتار و شخصیت انسان‌ها، رابطه‌ای متقابل وجود دارد که این رابطه و تأثیر بر روی روابط اجتماعی انسان‌ها نیز وجود دارد.

در جدول شماره ۱ مشکل مالی در افراد زیر دیپلم %۳۴/۲، دیپلم %۳۲/۱، فوق دیپلم %۲۵/۰ و لیسانس و بالاتر %۲۰/۰، علت مراجعه بوده است.

در گروه دیپلم و زیر دیپلم تقریباً در یک سطح است و در گروه فوق دیپلم و بالاتر، کاهش پیدا می‌کند. می‌بینیم که دو گروه وسط تقریباً یک شناخت و آگاهی دارند و عدم اشتغال برای این اقدام به آنها کمک می‌کند؛ اما در گروه‌های بعدی کاهش می‌یابد، برعکس گروه اول که تحصیلات ریز دیپلم و عدم توانایی کار باعث می‌شود در مقابل کارها و رفتار شوهر اگرچه نادرست باشد، ولی با وجود شرایط خود سکوت کند و اعتراض ننماید. اما گروه تحصیل کرده بالاتر از دیپلم، به علت توانایی کار و رفع نیاز مالی خود کمتر از گروه قبل دست به مطالبه مهریه

می‌گذارند. اما در رابطه با اختلاف، گروه زیردیپلم و در حدود دیپلم $۴/۴۷\%$ و $۵/۵۸\%$ ، فوق دیپلم ۲۵% و لیسانس و بالاتر ۶۰% را شامل می‌شوند.

در اینجا تعداد دو گروه بیشتر از گروه‌های دیگر است: یکی افراد زیردیپلم و دیپلم که با توجه به محدوده شناخت و یافتن آگاهی نسبت به حقوق و جامعه خود، کمتر اجبار و فشارهای مردان را قبول می‌کنند و زیر بار رفتارها و خواسته‌های غیرمنطقی آنها نمی‌روند؛ اگرچه این آگاهی و شناخت کامل نیست و افراد دارای تحصیلات بالا به علت شناخت کامل از حق و حقوق و حرف‌های غیرمنطقی مردان زیربار زورگویی آنها نمی‌روند، ولی به قولی برای پشیمان کردن آنها از رفتارهایشان دست به مطالبه مهریه زده‌اند. جالب این است که نسبت به مشکل مالی در اینجا آمار افزایش پیدا می‌کند.

در رابطه با افراد زیر دیپلم، تعداد افرادی که به علت اختلاف مهریه خود را اجرا گذاشته‌اند $۴/۴۷\%$ و در مورد مشکلات مالی $۲/۳۴\%$ است که یکی از عوامل تفاوت پیدا کردن این درصد، در رابطه با آگاهی‌هایی است که افراد نسبت به جامعه و خانواده خود از آن برخوردار می‌شوند. این آگاهی‌ها نسبت به گذشته بیشتر شده و به همان نسبت هم قدرت نفوذ مرد در خانواده کاهش پیدا کرده، و می‌بینیم که زنان با تحصیلات زیر دیپلم نیز برای رفتارهای غیرمنطقی و از بین رفتن شخصیت خود عکس‌العمل بیشتری نسبت به نیازهای مالی خود نشان می‌دهند.

در رابطه با فوت، باز هم این رقم در افراد زیردیپلم مرتبه دوم بعد از فوق دیپلم است و اینجاست که نظام مردسالاری اجازه نمی‌دهد تا زنان در ایام زندگی، حتی لحظه‌ای به فکر مطالبه مهریه خود باشند؛ ولی با فوت وی احساس می‌کنند که می‌توانند این حق پامال شده خود را دوباره به دست بیاورند.

در رابطه با گرفتن طلاق، تعداد مراجعه کنندگان در افراد باسواد بالا است اما در دو گروه یکی زیر دیپلم و دارای دیپلم، یکی صفر و دیگری $۱/۹\%$ است و این نشان می‌دهد که زنان زیردیپلم چون از تأمین خود ناتوان هستند، این اقدام را نمی‌کنند و افراد تحصیل کرده نیز برای گرفتن حقوق و بیان نظرات خود از شیوه‌های دیگری استفاده می‌نمایند تا اینکه مهریه خود را مطالبه نمایند.

در مورد ضرب و جرح نیز این تعداد در گروه زیردپلم حدود ۷/۹٪ است که از چهار گروه دیگر بیشتر می‌باشد، زیرا این زنان به علت عدم توانایی در دفاع از حق و حقوق خود بیشتر مورد ضرب و جرح قرار می‌گیرند. همچنین در گروه دیپلم نیز درصدی به چشم می‌خورد که عبارت است از ۱/۹٪، و در این گروه می‌توان علت را شناخت زنان از حقوق خود و زیر بار نرفتن مردان به اینکه آنها هم آگاهی و شناخت دارند دانست، که این موضوع تبدیل به برخورد بین این دو می‌شود.

عدم اشتغال و مطالبه مهریه

مردان برای گذراندن زندگی کار می‌کنند و افزون بر درآمد شغلشان، انتظار دارند همسری هم به بهایی کمتر از ارزش کالا و خدمات در بازار، در خدمت شخصی آنها باشد. دلفی (۱۹۷۷). می‌گوید:

«ریشه نابرابری‌های جنسی در شیوه‌هایی است که شوهران برای تملک نیروی کار زنان خود در پیش می‌گیرند. زنان در برابر خدمات خانگی و بچه‌داری که برای شوهران انجام می‌دهند، پاداش منصفانه‌ای دریافت نمی‌کنند».

بدیهی است که مسئولیت‌های خانگی بر مشارکت زنان در بازار کار اثر می‌گذارد. در نتیجه شوهر که صاحب نیروی کار همسر خویش است، در برابر حمایت مادی خود از زن انتظار عرضه خدمات خانگی توسط او را دارد.

مردان «نان‌آور» به حساب می‌آیند، در صورتی که زنان تیمارداران خانه هستند. در اینجا زنان در صورت شاغل نبودن باید به شوهر و فرزندان برسند و به حمایت مالی شوهر تکیه کنند. می‌بینیم زنانی که دارای شرایط مناسب جهت اشتغال در بیرون از منزل و کسب درآمد هستند، به سبب ارجح دانستن خانه‌داری و تربیت فرزند و یا عدم اجازه شوهر به اشتغال در بیرون از منزل و پر شدن تمام اوقات خود با کار خانه، کمتر شاغل می‌باشند و اکثراً به خانه‌داری می‌پردازند. همین عامل باعث شده که در صورت بروز مشکلات، شوهر با توجه به عدم اشتغال زن و نیاز مالی او، بخواهد وی را زیر فشار قرار دهد. به همین دلیل زنان به علت عدم اشتغال و در تنگنای مالی قرار می‌گیرند. بخصوص زنانی که موقعیت کاری داشته‌اند اما به خاطر همسرانشان از کار خود دست کشیدند و یا به دنبال کار نرفتند، برای جبران این فشار مهریه خود را مطالبه می‌نمایند.

در اینجا بنا به فرضیه «نداشتن شغل بر مطالبه مهریه مؤثر است»، می‌توان گفت با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق، مراجعه کنندگانی که مشکل مالی داشتند ۳۱/۹٪ غیرشاغل بودند و آنهایی که اختلاف داشتند ۴۹/۴٪ غیرشاغل بودند. زنانی که همسرانشان فوت کرده بودند ۸/۸٪ شغلی نداشتند؛ در گروه گرفتن طلاق هم ۶/۶٪ غیرشاغل بوده و در گروه ضرب و جرح، ۳/۳٪ آنها شاغل نبودند. آمار کسانی که شاغل بودند در همه موارد بسیار کمتر است و این نشان می‌دهد کسانی که شاغل نیستند، به مراتب بیشتر از زنانی که شاغل هستند در هنگام مشکلات مهریه خود را مطالبه می‌نمایند. این موضوع فرضیه ما مبنی بر اینکه «نداشتن شغل بر مطالبه مهریه مؤثر است» را تأیید می‌کند.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد که نداشتن شغل بر مطالبه مهریه توسط زنان مؤثر است. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون خی - دو (۰/۸۲۳). که مقدار آن بیشتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌گیریم که دلیلی بر رد فرض صفر نداریم. بدین معنی که بین علت مطالبه مهریه و شاغل بودن مراجعه کنندگان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

جدول شماره (۲) جدول توافقی شاغل بودن و علت مطالبه مهریه توسط مراجعه کنندگان

جمع	آیا مراجعه کننده شاغل است؟		علت مطالبه مهریه	
	خیر	بلی		
۳۶	۲۹	۷	فراوانی	اختلاف مالی
	۳۰/۵٪	۲۵/۹٪	درصد	
۶۱	۴۵	۱۶	فراوانی	اختلاف غیرمالی
	۵۱/۷٪	۲۶/۳٪	درصد	
۱۰	۸	۲	فراوانی	فوت
	۸/۵٪	۲/۴٪	درصد	
۷	۶	۱	فراوانی	گرفتن طلاق
	۵/۹٪	۳/۷٪	درصد	
۴	۳	۱	فراوانی	ضرب و جرح
	۳/۴٪	۲/۷٪	درصد	
۱۱۸	۹۱	۲۷	فراوانی	جمع
	۱۰۰٪	۱۰۰٪	درصد	

$$N=118 \quad \chi^2 = 45 \quad df=31 \quad sig=.021$$

تحلیل رابطه عدم اشتغال و مطالبه مهریه

داشتن شغل این امکان را به فرد می‌دهد که بتواند نیازهای مالی خود را مرتفع کند و در نتیجه یک استقلال و هویت مستقل را به فرد عطا می‌کند.

در جامعه ایران که هنوز حاکمیت مرد در خانواده و مردسالار بودن آن برقرار است، امکان اشتغال برای زنان بسیار کاهش می‌یابد و اکثراً آقایان بعد از ازدواج به زنان اجازه کار را نمی‌دهند، به این بهانه که آنها به کارهای خانه و خانواده خوب نمی‌رسند یا وقت کار کردن در بیرون را ندارند و باید به تربیت و بزرگ کردن فرزندان خود برسند.

عدم اشتغال زنان نتایج زیادی دارد، از جمله عدم توانایی مالی و استقلال اقتصادی و نیاز مالی زن به مرد را پدید می‌آورد. در تحقیقی که انجام شد، در جدول ونمودار ۲ عامل اشتغال با علل مطالبه مهریه مورد بررسی قرار گرفت که نتایج مختلفی به دست آمد؛ از جمله اینکه در بین زنان مراجعه کننده که به علت مشکل مالی آمده بودند، ۲۵/۹٪ شاغل بودند و ۳۱/۹٪ غیر شاغل. می‌بینیم اکثراً کسانی که کار نمی‌کردند و استقلال اقتصادی نداشتند، برای رفع نیاز خود به دادگاه مراجعه کرده و مهریه خود را مطالبه نموده‌اند. در گروه دیگر که به علت اختلاف مراجعه کرده‌اند، ۵۹/۳٪ شاغل و ۴۹/۴٪ غیر شاغل بودند و این نشان می‌دهد کسانی که شاغل بودند، نیاز مادی نداشتند اما می‌دانستند که برای گوشمالی مرد از این طریق بیشتر می‌تواند او را ادب کنند.

نوع شغل و مطالبه مهریه

بدیهی است که مسئولیت‌های خانگی بر مشارکت زنان در بازار کار اثر می‌گذارد. این مشارکت بیشتر مقید به وجود بچه‌های وابسته به مادر است نه ازدواج. زنان نسبت به مردان در برابر کار خود درآمد کمتری کسب می‌کنند. حتی دستمزد تمام وقت زنان بسیار کمتر از مردان است و به مراتب میزان اشتغال در میان زنان نسبت به مردان کمتر است. همین کاهش اشتغال و درآمد باعث شده است تا مشکلات مالی به زنانی که دارای مشاغل پایین هستند فشار بیشتری وارد کند و برای برطرف کردن این مشکل، مهریه خود را مطالبه نمایند. برعکس نیاز مالی، اختلافات و مشکلات دیگر در میان مشاغل بالاتر باعث می‌شود تا زنان در واکنش به رفتار نامناسب مرد و فشار و زورگویی او، دست به مطالبه مهریه جهت گوشمالی شوهران خود بزنند.

در تحقیق صورت گرفته در این زمینه با آمارهای زیر روبه‌رو می‌شویم: در رابطه با مشکلات مالی، مشاغل پایین مثل کارگران و صاحبان مشاغل آزاد با آمار ۶۲/۵٪ و ۱۵/۴٪ در مقابل

کارمندان با ۱۸/۲٪ قرار دارند که نشان می‌دهد این میزان نسبت به مشاغل دیگر کمتر است. برعکس در مورد اختلاف، در میان مشاغل کارگر و آزاد سطح آن پایین‌تر از کارمندان است که ۷۶/۹٪ را نشان می‌دهد. در مورد فوت و گرفتن طلاق و ضرب و جرح نیز درصد پائینی نسبت به علل دیگر دیده می‌شود. بنابراین در مورد این فرضیه که «بین نوع اشتغال و مطالبه مهریه رابطه وجود دارد»، می‌توان گفت که رابطه وجود دارد زیرا نوع شغل و موقعیت اجتماعی بر مطالبه مهریه مؤثر است. همان‌طور که میزان مراجعه در رابطه با مشکل مالی در میان کارگران و مشاغل آزاد مراجعه‌کننده بیشتر است، در رابطه با علت اختلاف نیز این مقدار در میان کارمندان به مراتب بیشتر از کارگران و مشاغل آزاد می‌باشد.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد که بین نوع شغل و علت مطالبه مهریه توسط مراجعه‌کنندگان، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون خی-دو (۰/۲۸۴). که مقدار آن بیشتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌گیریم که دلیلی بر رد فرض صفر نداریم. به این معنی که بین علت مطالبه مهریه و نوع شغل مراجعه‌کنندگان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

جدول شماره (۳) جدول توافقی نوع شغل و علت مطالبه مهریه توسط مراجعه‌کننده‌ها

جمع	نوع شغل مراجعه‌کننده‌ها				علت مطالبه مهریه	
	بیکار	کارمند	کارگر	آزاد		
۳۶	۲۰	۵	۵	۶	فراوانی	اختلاف مالی
٪۳۰/۵	٪۲۸/۲	٪۲۳/۸	٪۲۹/۴	٪۶۶/۷	درصد	
۶۱	۳۹	۱۲	۹	۱	فراوانی	اختلاف غیرمالی
٪۵۱/۷	٪۵۴/۹	٪۵۷/۱	٪۵۲/۹	٪۱۱/۱	درصد	
۱۰	۷	۱	۰	۲	فراوانی	فوت
٪۸/۵	٪۹/۹	٪۴/۸	٪۰/۰	٪۲۲/۲	درصد	
۷	۴	۳	۰	۰	فراوانی	گرفتن طلاق
٪۵/۹	٪۵/۶	٪۱۴/۳	٪۰/۰	٪۰/۰	درصد	
۴	۱	۰	۳	۰	فراوانی	ضرب و جرح
٪۳/۴	٪۱/۴	٪۰/۰	٪۱۷/۷	٪۰/۰	درصد	
۱۱۸	۷۱	۲۱	۱۷	۹	فراوانی	جمع
٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	درصد	

$$N=118 \quad \chi^2 = 55 \quad df=29 \quad sig=0.42$$

تحلیل رابطه نوع شغل مراجعه کنندگان و علل مطالبه مهریه

به علت مشکل مالی، تعداد مراجعه کنندگان شغل آزاد ۶۶/۷٪، کارگران ۲۹/۴٪ و کارمندان ۲۳/۸٪ است که درصد مشاغل آزاد بیشتر می باشد و می توان یکی از دلایل آن را میزان حقوق ثابت و مکفی آنها دانست که بر می گردد به عدم تأمین نیاز مالی توسط همسران خود. یکی دیگر از این گروه ها کسانی بودند که بیکار (خانه دار). هستند و درصد قابل ملاحظه ای را در بر می گیرند. این گروه که شامل ۲۸/۲٪ می باشد که نشان دهنده عدم تأمین نیاز مالی است و نشان می دهد زنان غیر شاغل در اوج نیاز مالی به سراغ مهریه می روند تا از طریق آن حداقل یکی از صدها مشکل خود را که همگی نوعی نیاز مالی هستند، مرتفع کنند.

در رابطه با علت دیگر که اختلاف ذکر شده است، درصد مشاغل آزاد ۱۱/۱٪ و کارگر ۵۲/۹٪ است و در مقابل، تعداد کارمندان ۵۷/۱٪ و بیکار (خانه دارها). ۵۴/۹٪ می باشد. در اینجا با نگاهی سطحی می بینیم که این درصد در میان بیکارها (خانه دار). و کارمندان از دو گروه دیگر بیشتر است. علت آن را می توان در میان کارمندان افزایش سطح تحصیلات و محیط اشتغال آنان دانست و در میان زنان خانه دار، عدم اشتغال و افزایش نیازها (با توجه به تبلیغات و پر شدن اوقات آنها با رسانه های جمعی و مطبوعات).. تنوع سلیقه های آنها باعث برخورد و تشنج میان زن و شوهر می شود و زن برای برتری یافتن بر همسر خود، با سلاح مهریه به جنگ وی می رود. از طرف دیگر شوهران نیز بی تأثیر از رسانه ها نیستند و تنوع طلبی در آنها نیز وجود دارد که اختلاف را دامن می زند.

مورد دیگر فوت است که در میان زنان خانه دار از همه بیشتر می باشد و این بازمی گردد به عدم تأمین اجتماعی در جامعه و پایین بودن سهم الارث زن از دارایی شوهرش.

گزینه بعدی در علل مطالبه مهریه، طلاق است که باز در مورد زنان بیکار (خانه دار). ۵/۶٪ و کارمندان ۱۴/۳٪ می باشد و نشان می دهد از دو گروه قبلی بیشتر است. آن نیز دلایل متعددی دارد که یکی از آنها را می توان عدم اشتغال و نیاز مالی و تنوع طلبی و افزایش آگاهی زنان دانست.

در مورد ضرب و جرح هم در دو گروه کارگر و بیکار (خانه دار). مراجعه کننده بیشتری دیده می شود و باز نشان دهنده آن است که زنان کارگر با توجه به محیط و شرایط کاری، و زنان خانه دار با توجه به افزایش آگاهی و عدم درآمد مراجعه بیشتری دارند. اختلاف آنها با همسرانشان بیشتر از دو گروه دیگر باعث ایجاد برخورد و کتک کاری میان آنها می شود.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد بین میزان مهریه و علت مطالبه مهریه رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون خی - دو (۰/۳۵۷). که مقدار آن بیشتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌گیریم که دلیلی بر رد فرض صفر نداریم. بدین معنی که بین علت مطالبه مهریه و میزان مهریه مراجعه کنندگان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

جدول شماره (۴) جدول توافقی میزان مهریه و علت مطالبه مهریه مراجعه کنندگان

جمع	میزان مهریه مراجعه کنندگان					علت مطالبه مهریه	
	۸۰۱ به بالا	۶۰۱-۸۰۰	۴۰۱-۶۰۰	۲۰۰-۴۰۰	زیر ۲۰۰		
۳۶	۶	۶	۱۲	۸	۴	فراوانی	اختلاف مالی
	٪۳۰/۵	٪۴۲/۹	٪۳۰/۸	٪۲۹/۶	٪۲۲/۲	درصد	
۶۱	۵	۱۱	۲۲	۱۳	۱۰	فراوانی	اختلاف غیرمالی
	٪۵۱/۷	٪۳۵/۷	٪۵۶/۴	٪۴۸/۱	٪۵۵/۶	درصد	
۱۰	۱	۱	۲	۳	۳	فراوانی	فوت
	٪۸/۵	٪۵/۰	٪۵/۱	٪۱۱/۱	٪۱۶/۶	درصد	
۷	۱	۱	۲	۲	۱	فراوانی	گرفتن طلاق
	٪۵/۹	٪۵/۰	٪۵/۱	٪۷/۴	٪۵/۶	درصد	
۴	۱	۱	۱	۱	۰	فراوانی	ضرب و جرح
	٪۳/۴	٪۵/۰	٪۲/۶	٪۳/۷	٪۰/۰	درصد	
۱۱۸	۱۴	۲۰	۳۹	۲۷	۱۸	فراوانی	جمع
	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	درصد	

$$N=118 \quad \chi^2 = 53/1 \quad df=34 \quad sig=0/413$$

تحلیل رابطه بین میزان مهریه و علت مطالبه آن توسط مراجعه کنندگان

بررسی علل مطالبه مهریه بر حسب موارد مالی، اختلافات زناشویی، فوت همسر، طلاق و ضرب و جرح در جدول بر حسب میزان مهریه نشان داده شده است.

اگر جدول را به شکل سطری مورد بررسی قرار دهیم، مشاهده می‌کنیم که ۳۶ نفر از زنان مورد مطالعه به علل مالی مهریه خود را مطالبه نموده‌اند... از این تعداد ۴ نفر دارای مهریه‌ای زیر ۲۰۰ سکه، ۸ نفر بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ سکه، ۱۲ نفر بین ۴۰۱ تا ۶۰۰ سکه، ۶ نفر بین ۶۰۱ تا ۸۰۰ سکه و ۶ نفر نیز مهریه‌شان بالاتر از ۸۰۱ سکه بوده است.

بنابراین درصد مطالبه مهریه به دلایل مالی، به ترتیب ٪۲۲، ٪۲۹/۶، ٪۳۰/۸، ٪۳۰، و ٪۴۲/۹ را نشان می‌دهد. چنان که ملاحظه می‌شود، بین افزایش میزان مهریه و به مطالبه مهریه رابطه مستقیمی نشان داده نمی‌شود. به عبارت دیگر نمی‌توان گفت که هرچه میزان مهریه بیشتر (و یا کمتر) می‌-

شود، درخواست برای به مطالبه مهریه هم بیشتر می‌شود.

اما در مورد مسئله اختلاف که منجر به مطالبه مهریه توسط زنان شده است، ملاحظه می‌گردد که ۵۶/۴٪ از زنان جامعه مورد مطالعه به علت مذکور مهریه خود را مطالبه نموده‌اند. از این تعداد حدود ۵۵/۶٪ مهریه‌ای کمتر از ۲۰۰ سکه، ۴۸/۱٪ بین ۲۰۱ تا ۴۰۰ سکه، ۵۶/۴٪ بین ۴۰۱ تا ۶۰۰ سکه، ۵۵٪ بین ۶۰۱ تا ۸۰۰ سکه و ۳۵/۷٪ مهریه‌ای بالاتر از ۸۰۰ سکه داشته‌اند.

نکته جالب اینکه در میان جامعه مورد بررسی، کمترین درصد افرادی که اظهار نموده‌اند به علت اختلافات زناشویی مهریه خود را مطالبه نموده‌اند، کسانی هستند که بیشترین میزان مهریه (بالاتر از ۸۰۱) سکه را داشته‌اند. بنابراین نمی‌توان میزان بالای مهریه را ابزاری در اختیار زن تصور نمود که در صورت وجود اختلاف، اقدام به مطالبه آن می‌نماید.

فوت همسر، از دیگر علل به مطالبه مهریه توسط زنان می‌باشد. چنان که ملاحظه می‌شود از ۱۰ نفر زنی که به علت مذکور مهریه خود را به مطالبه نموده‌اند، ۳ نفر (معادل ۱۶/۶٪) مهریه‌ای کمتر از ۲۰۰ سکه، ۳ نفر (۱۱/۱٪) مهریه‌ای معادل ۲۰۰ تا ۴۰۰ سکه، ۲ نفر (۵/۱٪) مهریه‌ای معادل ۴۰۱ تا ۶۰۰ سکه، ۱ نفر (۵٪) مهریه‌ای معادل ۶۰۱ تا ۸۰۰ سکه و ۱ نفر مهریه‌ای بالای ۸۰۱ سکه داشته‌اند. بنابراین نمی‌توان فوت را نیز بر مبنای جدول ارائه شده، عامل به مطالبه مهریه تلقی نمود.

در جامعه مورد بررسی، ۷ نفر به علت گرفتن طلاق اقدام به مطالبه مهریه نموده‌اند که از این بین ۱ نفر (۵/۶٪) مهریه‌ای معادل زیر ۲۰۰ سکه، ۲ نفر (۷/۴٪) مهریه‌ای معادل ۲۰۰ تا ۴۰۰ سکه و ۲ نفر (۵/۱٪) مهریه‌ای معادل ۴۰۱ تا ۶۰۰ سکه، ۱ نفر (۵٪) مهریه‌ای معادل ۶۰۱ تا ۸۰۰ سکه و ۱ نفر مهریه‌ای (۷/۱٪) مهریه‌ای بالای ۸۰۱ سکه داشته‌اند. بر این مبنای قضاوت در مورد اینکه طلاق گرفتن علت به مطالبه مهریه می‌باشد، کار ساده‌ای نیست و نیاز به مطالعات کامل‌تری دارد.

ضرب و جرح، علت دیگری است که در این تحقیق برای به مطالبه مهریه مورد بررسی قرار گرفته است. تنها ۴ نفر از زنان مورد بررسی به این علت اقدام به مطالبه مهریه نموده‌اند که ۱ نفر (۳/۷٪) مهریه‌ای معادل ۲۰۰ تا ۴۰۰ سکه و ۱ نفر (۲/۶٪) مهریه‌ای معادل ۴۰۱ تا ۶۰۰ سکه، ۱ نفر (۵٪) مهریه‌ای معادل ۶۰۱ تا ۸۰۰ سکه و ۱ نفر مهریه‌ای (۷/۱٪) مهریه‌ای بالای ۸۰۱ سکه داشته‌اند.

اما در جدول فوق چنانچه میزان مهریه را بر حسب علت به مطالبه مهریه تفسیر نمائیم، این نتیجه حاصل می شود که از بین زنانی که اقدام به مطالبه نموده اند و مهریه آنها نیز کمتر از ۲۰۰ سکه بوده است، ۴ نفر معادل ۲۲/۲٪ به علل مالی، ۱۰ نفر معادل ۵۵/۶٪ به علت اختلاف، ۳ نفر معادل ۱۶/۶٪ درصد به علت فوت همسر و ۱ نفر معادل ۵/۶٪ درصد به علت گرفتن طلاق بوده است.

از بین زنانی که مهریه آنها بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ سکه بوده است، ۸ نفر معادل ۲۹/۶٪ به علل موارد مالی، ۱۳ نفر معادل ۴۸/۱٪ به علت اختلاف، ۳ نفر معادل ۱۱/۱٪ درصد به علت فوت همسر و ۲ نفر معادل ۷/۴٪ درصد به علت گرفتن طلاق و ۳/۷٪ درصد نیز به علت ضرب و جرح اقدام به مطالبه خود نموده اند. همچنین از ۳۹ زنی که اقدام به مطالبه نموده و مهریه آنان نیز بین ۴۰۱ تا ۶۰۰ سکه بوده است، ۸/۳۰٪ به علل مسائل مالی، ۴/۵۶٪ درصد به علت اختلاف، ۱/۵٪ درصد به علت فوت همسر و گرفتن طلاق و ۲/۶٪ نیز به علت ضرب و جرح اقدام به این عمل نموده اند. بنابراین علل مالی و اختلاف مهمترین علت مطالبه مهریه در بین این گروه از زنان می باشد.

در بین زنانی که مهریه آنها بین ۶۰۱ تا ۸۰۰ سکه می باشد و تعداد آنها ۲۰ نفر است، ۳۰٪ به علل مالی، ۵۵٪ به علت اختلاف و ۵٪ به علل فوت، گرفتن طلاق و ضرب و جرح اقدام به این عمل نموده اند. در این دو گروه نیز دو علت اول یعنی علل مالی و اختلاف، دلایل عمده این اقدام محسوب می شوند.

بالاخره در بین زنانی که مهریه آنان بالاتر از ۸۰۱ سکه می باشد و تعداد آنها در جامعه مورد بررسی ۱۴ نفر بوده است، ۹/۴۲٪ به علت مالی، ۷/۳۵٪ به علت اختلاف، ۱/۷٪ درصد به علل فوت، گرفتن طلاق و ضرب و جرح اقدام به این عمل نموده اند و باز مشاهده می شود که مسائل مالی را می توان علت عمده این اقدام ذکر نمود.

به طور کلی، این نتیجه حاصل می شود که در بین عوامل مطالبه مهریه، اختلاف و مسائل مالی مهمترین علل این اقدام بوده اند و ارتباطی نیز با میزان مهریه ندارند؛ ولی نمی توان گفت که با افزایش میزان مهریه در صورت وقوع هر علتی، اقدام به مطالبه مهریه هم بیشتر می شود.

سال ازدواج زوجین و علت مطالبه مهریه

دخترها با این امید و آرزو بزرگ می شوند که ازدواج کنند و روز عروسی را باشکوه ترین لحظه در زندگی خود می دانند؛ اما زندگی زناشویی به ندرت آن چیزی از آب در می آید که

انتظار آن را داشته‌اند. حقیقت از رویا فاصله بسیار دارد.

به گفته جسی برنارد (۱۹۷۳): «ازدواج از نظر زن و مرد دو چیز متفاوت است و مردان بهره بیشتری از ازدواج می‌برند. برای زنان متأهل احتمال ابتلا به بیماری‌های روانی بیش از زنان مجرد است، در حالی که برای مردان متأهل این احتمال بسیار کم است». حال هرچه سال‌های ازدواج کمتر باشد تجربه زندگی هم کمتر است؛ زنان فشار و زورگویی مردان را کمتر تحمل می‌کنند و عکس‌العمل‌های بیشتری بر رفتار مردان از خود نشان می‌دهند که یکی از این رفتارها «مطالبه مهریه» است.

در فرضیه ذکر شده، عنوان می‌شود که «سال‌های ازدواج زوجین بر مطالبه مهریه مؤثر است». از بین زنانی که مهریه خود را به مطالبه نموده‌اند، تعداد آنهایی که سال وقوع ازدواجشان ۱۳۸۵ به بالا است ۳۵/۱٪، زنانی که بین سال‌های ۸۵-۱۳۸۱ ازدواج کرده‌اند ۴۶/۲٪ و از آنهایی که در سال‌های ۷۵-۱۳۷۰ ازدواج کرده بودند، موردی ذکر نشده است.

در اینجا فشار مالی و تحمل آن در بین زنانی که سال‌های کمتری از ازدواج خود را می‌گذرانند پایین‌تر و تعداد مراجعه کنندگان بیشتر است و هرچه سال‌های ازدواج بیشتر می‌شود، تحمل و صبوری بیشتر شده و تعداد مراجعه کاهش می‌یابد.

در رابطه با اختلاف، هر چه سال‌ها کمتر می‌شود اقدام به مطالبه مهریه بیشتر می‌شود، به طوری که در گروه ۱۳۸۵ به بالا ۵۴/۴٪ مراجعه کرده و در گروه ۷۵-۱۳۷۰ یک نفر که ۳۳/۳٪ می‌باشد مراجعه کرده است. این تعداد نشان دهنده آن است که سال‌های زندگی و افزایش تجربه باعث کاهش این اقدام می‌شود.

اما در رابطه با گرفتن طلاق و ضرب و جرح نیز این میزان در زنانی که در سال‌های ۱۳۸۵ به بالا ازدواج کرده‌اند بیشتر از سال‌های دیگر دیده می‌شود؛ اما در مورد فوت تقریباً یکنواخت است و این آمار حاکی از آن است که کاهش سال‌های ازدواج به علت تجربه کم و تأثیر محیط اجتماعی و نیز تغییر نگرش و دیدگاه جامعه، بر روی مطالبه مهریه مؤثر است. این بررسی و نتایج نشان می‌دهد که کاهش سال‌های ازدواج سبب می‌شود تا زنان با شجاعت بیشتر به دادگاه‌ها مراجعه و تقاضای مهریه خود را مطرح کنند.

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد بین سال ازدواج زوجین و علت مطالبه مهریه رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون خی - دو (۰/۰۴۷). که مقدار آن کمتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌گیریم که فرض صفر رد می‌شود. بدین معنی که بین علت مطالبه مهریه و سال ازدواج زوجین رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول شماره (۵) جدول توافقی سال ازدواج و علت مطالبه مهریه مراجعه کننده‌ها

جمع	سال ازدواج مراجعه کننده‌ها				علت مطالبه مهریه	
	۸۵+	۸۱-۸۵	۷۶-۸۰	۷۰-۷۵		
۳۶	۱۷	۱۱	۶	۲	فراوانی	اختلاف مالی
٪۳۰/۵	٪۲۹/۸	٪۲۸/۲	٪۳۷/۵	٪۳۳/۳	درصد	
۶۱	۳۲	۲۲	۶	۱	فراوانی	اختلاف غیرمالی
٪۵۱/۷	٪۵۶/۱	٪۵۶/۴	٪۳۷/۵	٪۱۶/۷	درصد	
۱۰	۳	۳	۲	۲	فراوانی	فوت
٪۸/۵	٪۵/۳	٪۷/۷	٪۱۲/۵	٪۳۳/۳	درصد	
۷	۳	۲	۱	۱	فراوانی	گرفتن طلاق
٪۵/۹	٪۵/۳	٪۵/۱	٪۶/۳	٪۱۶/۷	درصد	
۴	۲	۱	۱	۰	فراوانی	ضرب و جرح
٪۳/۴	٪۳/۵	٪۲/۶	٪۶/۳	٪۰/۰	درصد	
۱۱۸	۵۷	۳۹	۱۶	۶	فراوانی	جمع
٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	درصد	

$$N = 118 \quad \chi^2 = 44 \quad df = 28 \quad sig = 0.001$$

از طرفی با در نظر گرفتن آزمون همبستگی کرامرز که مقدار آن ۰/۴۷ بوده و شدت آن نیز کم می‌باشد، بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین علت مطالبه مهریه و سال ازدواج زوجین رابطه معنی‌دار و متوسطی وجود دارد.

تحلیل رابطه بین سال‌های ازدواج و مطالبه مهریه

با توجه به جدول شماره ۵، نتایج زیر به دست می‌آید:

از ۶ نفری که بین سال‌های ۱۳۷۰ الی ۱۳۷۵ ازدواج نموده‌اند، علت مطالبه مهریه از سوی آنها ۳۳/۳٪ اختلاف مالی، فوت و ۱۶/۷٪ نیز به واسطه اختلاف غیرمالی و گرفتن طلاق بوده است.

از بین ۱۶ نفری که بین سال‌های ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۰ ازدواج نموده‌اند، علت مطالبه مهریه از سوی

آنها ۳۷/۵٪ مالی، اختلاف و ۱۲/۵٪ نیز فوت همسر و ۶/۳٪ گرفت طلاق و ضرب و جرح بوده است. از بین ۳۹ مراجعه کننده ای که در فاصله سال های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۵ ازدواج نموده اند، علت مطالبه مهریه از سوی آنها ۲۸/۲٪ مالی، ۵۶/۴٪ اختلاف، ۷/۷٪ فوت همسر و ۵/۱٪ گرفتن طلاق و ۲/۶٪ نیز ضرب و جرح بوده است.

سرانجام از بین ۵۷ مراجعه کننده ای که در سال های بالاتر از ۱۳۸۵ ازدواج کرده اند، علت مطالبه مهریه از سوی آنها ۲۹/۸٪ مالی، ۵۶/۱٪ اختلاف، ۵/۳٪ درصد فوت همسر، گرفتن طلاق و ۳/۵٪ نیز ضرب و جرح عنوان شده است.

نگاه دقیق تری به جدول مذکور نشان می دهد که مطالبه مهریه با گذشت سال های بیشتر، رو به کاهش دارد. یعنی از ۱۱۸ نفر زن مورد مطالعه، ۶ نفر آنها بین سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ ازدواج کرده اند، ۱۶ نفر بین سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰، ۳۹ نفر بین سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ و ۵۷ نفر پس از سال ۱۳۸۵ ازدواج نموده اند. با توجه به علت مطالبه مهریه نیز علت «اختلاف» مهمترین علت این اقدام ذکر شده است، به طوری که بیش از ۵۱/۷٪ از زنان به علت اختلاف اقدام به این امر نموده اند و پس از آن، علل مالی و فوت همسر علل دیگر محسوب می گردند.

اما اینکه مشاهده می شود زنانی که سال های کمتری از ازدواجشان می گذرد، بیشتر اقدام به این عمل می نمایند را می توان به اشکال مختلف تبیین نمود. تغییر ساختار اجتماعی و افزایش نقش زنان در جامعه، روند رو به رشد در ایجاد امکان تحصیلات برای زنان و متعاقب آن افزایش آگاهی نسبت به حقوق آنها، ضعف ساختار مردسالاری در جامعه و خودداری از زنان از تحت سلطه مرد قرار گرفتن، از دلایلی است که می تواند این پدیده را تبیین نماید.

داشتن فرزند و مطالبه مهریه

«به نظر بسیاری از فمینیست ها، استثمار و فرودستی زنان ناشی از آن است که بچه می زایند؛ همین واقعیت زیست شناختی است که به مردان امکان داد تا زنان را به انقیاد بکشند و زنان به این ترتیب در سایه ی حمایت مردان قرار گرفتند» (والاسی، ص ۱۳۰).

مادر بودن مشغله ای است تمام وقت که زنان مسئول جهت تربیت و نظارت بر فرزندان خود، از انجام آن لذت وافر می برند.

«مادری کردن کار دشواری است و کودکان به توجه و مراقبت دایم نیاز دارند، و این کار عموماً در تنهایی انجام می‌شود» (همان، ص ۱۳۲).

به قول میریام دیوید (۱۹۸۵): «مادر شدن مفهومی اجتماعی است، در حالیکه پدر شدن را به ندرت به رسمیت می‌شناسند. پدر بودن تنها به عمل نطفه‌گذاری اطلاق می‌شود. مادر شدن نه تنها مفهومی ساخته و پرداخته اجتماع است، بلکه از نظر تاریخی نیز مفهومی خاص دارد، به این معنا که هویت اصلی و مشغولیت عمده زن پنداشته شده است» (همان، ص ۱۳۱).

در اینجا مادران عکس‌العمل‌ها و رفتارهایی نشان می‌دهند که در شرایطی غیر از مادر بودن ممکن بود نوعی دیگر از خود نشان دهند. در جایی نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین (بلو، ۱۹۶۴؛ مانیس و ملستر، ۱۹۷۸؛ رز، ۱۹۶۲) کوشیده‌اند تا اصول بنیادین این نظریه را برشمارند که یکی از این اصول معانی و نمادها، انسان‌ها را قادر می‌سازند تا کنش و کنش متقابل و متمایز انسانی را انجام دهند.

در فرضیه مربوط به «داشتن فرزند بر مطالبه مهریه مؤثر است»، آمار استخراج شده به این ترتیب است:

زنانی که به علت مشکل مالی به دادگاه مراجعه کرده‌اند و فرزند ندارند ۳/۳۵٪ و زنانی که فرزند دارند ۹/۲۸٪؛ و در رابطه با اختلاف، زنان بدون فرزند ۹/۵۶٪ و زنانی که فرزند دارند ۳/۵۳٪؛ در رابطه با زنانی که شوهرانشان فوت شده، زنان با فرزند ۶/۱۵٪ و از زنان بدون فرزند مراجعه‌کننده‌ای نبوده، در مورد گرفتن طلاق، هم زنان بدون فرزند ۹/۳٪ و زنانی که فرزند دارند ۲/۲٪؛ و در خصوص ضرب و جرح نیز زنان بدون فرزند ۹/۳٪ بوده و از زنان فرزنددار موردی ذکر نگردیده است.

در همه موارد جز فوت همسر، میزان آمار زنان بدون فرزند بیشتر است و این نشان می‌دهد زنانی که فرزند دارند و خود را مقید به نگهداری و مراقبت فرزند می‌دانند، واکنش آنها عکس واکنش زنان بدون فرزند است؛ چرا که حس مادری و وظیفه‌ی مادری تحمل آنها را نسبت به سختی و مشکلات بیشتر کرده است. برعکس زنان بدون فرزند این حس و محدودیت را برای خود نمی‌بینند و در زمان فوت، علت مراجعه‌ی زنان جوان عدم تأمین زندگی و فرزندان است و در

مورد زنان سالمند، دلیل مراجعه پایین بودن سهم الارث آنان از فرزندان و عدم توجه فرزندان به نیاز مادران خود می باشد.

■ فرضیه ۶: به نظر می رسد بین فرزند داشتن و علت مطالبه مهریه مراجعه کنندگان رابطه معنی داری وجود دارد.

با توجه به سطح معنی داری آزمون خی - دو (۰/۰۳۶). که مقدار آن کمتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می گیریم که فرض صفر رد می شود. بدین معنی که بین علت مطالبه مهریه و فرزند داشتن مراجعه کنندگان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره (۶) جدول توافقی داشتن فرزند و علت مطالبه مهریه مراجعه کنندگان

جمع	آیا مراجعه کننده فرزند دارد؟		علت مطالبه مهریه	
	خیر	بلی		
۳۶	۲۱	۱۵	فراوانی	اختلاف مالی
%۳۰/۵	%۳۳/۳	%۲۷/۳	درصد	
۶۱	۳۳	۲۸	فراوانی	اختلاف غیر مالی
%۵۱/۷	%۵۲/۴	%۵۰/۹	درصد	
۱۰	۱	۹	فراوانی	فوت
%۸/۵	%۱/۶	%۱۶/۴	درصد	
۷	۵	۲	فراوانی	گرفتن طلاق
%۵/۹	%۷/۹	%۳/۶	درصد	
۴	۳	۱	فراوانی	ضرب و جرح
%۳/۴	%۴/۸	%۱/۸	درصد	
۱۱۸	۶۳	۵۵	فراوانی	جمع
%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	درصد	

$$N=118 \quad \chi^2 = 51.3 \quad df=33 \quad sig=0.002$$

تحلیل رابطه داشتن فرزند و علت مطالبه مهریه

در علت مطالبه مهریه بر اساس مشکل مالی، تعداد آنهایی که فرزند دارند %۲۷/۳ و آنهایی که فرزند ندارند %۳۳/۳ است. می بینیم که بر اساس تصور ما، زنانی که فرزند دارند باید مشکل مالی داشته باشند. اما با توجه به درصدها عکس آن است و می توان اینگونه تحلیل کرد که اولاً اکثر زنانی که فرزند دارند به خاطر فرزند و شرایط آنها با مشکلات مالی بیشتر سازگاری دارند تا زنان

بی‌فرزند، و علت دیگر اینکه نیاز مالی آنها از طرف شوهر به خاطر وجود فرزندان بیشتر تأمین می‌شود تا زنانی که فرزند ندارند.

در رابطه با اختلاف، تعداد در میان هر دو چشمگیر است؛ چرا که آمار هر دو تقریباً بالا و در یک سطح می‌باشد. جدول، تعداد بدون فرزند را ۵۲/۴٪ و دارای فرزند ۵۰/۹٪ را نشان می‌دهد. اختلاف در بیشتر خانواده‌ها وجود دارد که این اختلافات توسط عوامل مختلفی بیشتر دامن زده می‌شوند، از جمله خانواده، جامعه، رسانه‌ها، مطبوعات، اینترنت و... که باعث افزایش اختلافات در خانواده‌ها می‌شوند؛ همچنین افزایش آگاهی زنان از حقوق و شرایط مناسب زندگی. اما باز هم در میان بدون فرزندها این آمار کمی بیشتر است و می‌توان گفت زنانی که فرزند دارند به خاطر فرزند خود کمی صبورتر هستند و بیشتر با مشکلات کنار می‌آیند تا آنها که بدون فرزند هستند.

در رابطه با عامل فوت، تعداد آنهایی که فرزند ندارند ۱/۶٪ و آنهایی فرزند دارند آمار ۱۵/۶٪ را نشان می‌دهد. این نشان می‌دهد که فوت همسر و نیاز مالی و پایین بودن سهم الارث زنان نسبت به فرزندان و تأمین مخارج، بر روی زنان فشار مضاعفی را وارد کرده و ناچار به دادگاه‌ها مراجعه و مهریه را طلب می‌کنند. در مورد گرفتن طلاق، در اینجا تعداد زنانی که فرزند دارند ۳/۶٪ و آنهایی که فرزند ندارند بیشتر است و آمار ۷/۹٪ را نشان می‌دهد. این آمار حاکی از آن است که چون فرزند به عنوان یک سد محکم در مقابل طلاق وجود ندارد، زنان با خیالی راحت مراجعه می‌کنند تا از طریق مهریه حق طلاق خود را به دست آورند.

ضرب و جرح از جمله عوامل دیگر در مطالبه مهریه است که در میان زنان با فرزند ۱/۸٪ و بدون فرزند آمار ۳/۹٪ دیده می‌شود و نشان می‌دهد که عدم وجود فرزند باعث می‌شود تا زنان با خیال راحت در مقابل شوهرانشان قدم علم کنند و حرف خود را بازگو نمایند و زیربار فشار و زورگویی شوهری که ایجاد ضرب و جرح می‌کند نروند. زنان دارای فرزند به خاطر فرزندانشان سعی در صبر و کوتاه کردن صحبت و گوش دادن به حرف شوهرانشان می‌کنند که شاید بعضی از این حرف‌ها درست هم نباشد.

تعداد فرزند و علت مطالبه مهریه

در قسمت قبل از حس مادری و تعهد او نسبت به فرزندان ذکر می‌شد. حال اگر تعداد فرزندان افزایش پیدا کند، این حس هم چندین برابر می‌شود و دشواری و سختی کار به مراتب

بیشتر از قبل می‌گردد. افزایش مسئولیت و تعهد زن به فرزندان خود باعث می‌شود تا تحمل او در برخی شرایط بیشتر از قبل شود و به قول بزرگان: «به خاطر بچه باید سوخت و ساخت».

در ایران، فرهنگ جامعه هنوز مسلط بر رفتار زنان است و اگرچه تغییراتی کرده، اما هنوز که هنوز است زنان به خاطر فرزندان با بدترین شرایط و سخت‌ترین موقعیت‌ها زندگی می‌کنند. در تحقیقی که انجام شده، بر اساس فرضیه «تعداد فرزندان بر مطالبه مهریه مؤثر است»، آمار زیر به دست آمد:

در بین مراجعه کنندگانی که به علت مشکل مالی مراجعه کرده‌اند، آنان که دارای یک فرزند هستند ۱۳/۳٪، زنانی که دو فرزند دارند ۴۷/۱٪، کسانی که سه فرزند دارند ۳۳/۳٪ و آنهایی که چهار فرزند دارند ۳۳/۳٪ را تشکیل می‌دهند. در رابطه با زنانی که سه و چهار فرزند دارند، آمار آنها کمتر از دو فرزند است و این را می‌توان دلیل بر کاهش تولیدمثل و داشتن فرزند بیشتر دانست. اما در رابطه با زنانی که دو فرزند دارند، آمار به مراتب بیشتر از تمامی موارد دیگر است و در جامعه ما بیشتر خانواده‌ها تمایل به داشتن دو یا یک فرزند دارند نه بیشتر.

در رابطه با علت اختلاف، در اینجا هرچه تعداد فرزندان بیشتر می‌شود درصد مراجعه کاهش می‌یابد تا جایی که در زنان دارای چهار فرزند، نمونه‌ای وجود ندارد و هرچه تعداد کمتر می‌شود، درصد بالاتر می‌رود. در اینجا تعداد زنان تک فرزند با ۶۳/۳٪ از همه بالاتر است و بعد زنان دارای دو فرزند و بعد گزینه‌های بعدی قرار دارند. در اینجا این فرضیه ثابت می‌شود که هرچه تعداد فرزندان بیشتر باشد، زنان کمتر تن به مطالبه مهریه خود می‌دهند که دلایل آن را در قسمت بعدی شرح داده می‌شود.

فرضیه ۷: به نظر می‌رسد که بین تعداد فرزندان و علت مطالبه مهریه مراجعه کنندگان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون خی - دو (۰/۱۵۶). که مقدار آن بیشتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌گیریم که دلیلی بر رد فرض صفر نداریم. بدین معنی که بین علت مطالبه مهریه و تعداد فرزندان مراجعه کنندگان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول شماره (۷) جدول توافقی تعداد فرزندان و علت مطالبه مهریه مراجعه کننده‌ها

جمع	تعداد فرزندان مراجعه کننده‌ها				علت مطالبه مهریه	
	۴	۳	۲	۱		
۱۵	۱	۲	۸	۴	فراوانی	اختلاف مالی
%۲۷/۳	%۳۳/۳	%۳۳/۳	%۴۷/۱	%۱۳/۳	درصد	
۲۸	۰	۲	۷	۱۹	فراوانی	اختلاف غیرمالی
%۵۰/۹	%۰/۰	%۳۳/۳	%۴۱/۲	%۶۳/۳	درصد	
۹	۱	۲	۲	۴	فراوانی	فوت
%۱۶/۴	%۳۳/۳	%۳۳/۳	%۱۱/۸	%۱۳/۳	درصد	
۲	۰	۰	۰	۲	فراوانی	گرفتن طلاق
%۳/۶	%۰/۰	%۰/۰	%۰/۰	%۶/۷	درصد	
۱	۰	۰	۰	۱	فراوانی	ضرب و جرح
%۱/۸	%۰/۰	%۰/۰	%۰/۰	%۳/۳	درصد	
۵۵	۲	۶	۱۷	۳۰	فراوانی	جمع
%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	درصد	

$$N = 118 \quad \chi^2 = 50.2 \quad df = 28 \quad sig = 0.000$$

تحلیل رابطه بین تعداد فرزندان و علت مطالبه مهریه

در مورد تعداد فرزندان، در اینجا آمار تعداد فرزندان که ۲ تا هستند ۴۷/۱٪ است که در رابطه با مشکلات مالی، بیشتر از گزینه‌های دیگر می‌باشد و می‌توان گفت این تعداد، پایین آمدن میزان تولیدمثل به علت تبلیغات کاهش فرزند را نشان می‌دهد.

گزینه‌ی دیگر که در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد، تک فرزند است و ۱۳/۳٪ را نشان می‌دهد. اگرچه داشتن فرزند برای ثبات زندگی لازم است، اما در این خانواده کارساز نبوده است؛ مشکل مالی به آنها فشار وارد کرده و به علت عدم تأمین نیاز مالی به دادگاه مراجعه کرده‌اند. هرچه تعداد فرزندان افزایش می‌یابد، تعداد مراجعه کننده کمتر است و دلایل زیادی را می‌توان ذکر کرد؛ از جمله تأمین مخارج توسط همسران و دلیل دیگر هم اینکه وجود فرزندان باعث عدم مراجعه همسر به دادگاه‌های خانواده جهت حفظ آبروی آنها می‌شود.

در خصوص مراجعه به علت اختلاف، در اینجا میان زنانی که دارای یک فرزند هستند آمار بالایی دیده می‌شود و عدد ۶۳/۳٪ را نشان می‌دهد.

تنها یک فرزند داشتن، باعث می‌شود تا مادر وقت بیشتری برای خود داشته باشد که آن را جهت بالا بردن آگاهی و اطلاعات خود صرف می‌کند. توجه به دغدغه‌های خود و مشکلات شخصی خود در این گروه به مراتب بیشتر از گروه‌های دیگر است و بیشتر در مقابل همسران خود مقاومت می‌کنند، و کمتر زیر بار حرف‌های شوهران خود می‌روند. در انتها این اختلاف به زورآزمایی اسلحه‌های زوجین که یکی مهریه است و دیگر داشتن حق طلاق، می‌انجامد.

در رابطه با فوت همسر و تعداد فرزندان، در اینجا تعداد همسرانی که یک فرزند دارند $13/3\%$ را نشان می‌دهد که نسبت به گزینه‌های دیگر بیشتر است و نشان می‌دهد عدم توانایی مالی و وجود فرزند باعث مراجعه کردن آنها می‌شود.

در گزینه‌های بعدی که ۲ فرزند با $11/8\%$ ، و ۳ فرزند با $33/3\%$ و چهار فرزند با $33/3\%$ مشاهده می‌شود، می‌توان گفت در هنگام افزایش تعداد فرزندان، کمک دیگران به مراتب در زمان فوت همسر بیشتر است و یا اگر در سن بالا باشند، فرزندان کمک مالی بیشتری به مادر خود می‌کنند تا زمانی که تک فرزند هستند. اینجاست که می‌بینیم درصد آنهایی که فرزند بیشتری دارند نسبت به تک‌فرزندها کمتر است.

گرفتن طلاق گزینه بعدی است که تنها در زنان تک فرزند دیده می‌شود. این آمار نشان می‌دهد زنانی که فرزند کم دارند، تمایل بیشتری هم برای رهایی از زندگی دارند؛ چرا که مسئولیت کمتر باعث می‌شود تا زودتر خود را از زندگی رها کنند. ولی زنانی که فرزند بیشتری دارند با وجود داشتن مشکلات بیشتر، تحمل بیشتری نیز دارند.

گزینه آخر ضرب و جرح است که تنها در زنان تک فرزند مشاهده گردید که این نشان می‌دهد که زنان حتی با وجود یک فرزند در برابر زورگوئی شوهری که ایجاد ضرب و جرح می‌کند نمی‌روند.

در فرضیه اول که رابطه بین علت مطالبه مهریه و سطح تحصیلات مراجعه کنندگان در دست بررسی قرار گرفته است، رابطه معنی‌دار مشاهده نگردید. در فرضیه دوم که به بررسی رابطه بین علت مطالبه مهریه نداشتن شغل مراجعه کنندگان پرداخته شده است، رابطه معنی‌داری نشان داده نشد. در فرضیه سوم که به بررسی رابطه بین علت مطالبه مهریه و نوع شغل مراجعه کنندگان پرداخته شد، رابطه معنی‌دار نبوده است.

در فرضیه چهارم که رابطه بین علت مطالبه مهریه و میزان مهریه بررسی شد که آن رابطه نیز معنی دار نبوده است. در فرضیه پنجم نیز رابطه بین علت مطالبه مهریه و سال ازدواج را بررسی گردد که رابطه ای معنی دار نشان داده است.

در دیگر فرضیه تحقیق، رابطه بین علت مطالبه مهریه و دارای فرزند بودن مراجعه کنندگان مورد آزمون قرار گرفته است که در آزمون استنباطی، رابطه معنی دار به چشم می خورد و در فرضیه دیگر رابطه بین علت مطالبه مهریه و تعداد فرزندان مراجعه کنندگان نیز رابطه معنی دار مورد تأیید قرار گرفته است.

از بررسی نتایج فوق این گونه برمی آید که زنان جوان تمایل بیشتری برای اقدام به مطالبه مهریه خود دارند. متغیر سن زنان و سن همسرانشان تأثیری در مطالبه مهریه نداشته است. زنان باسواد در اقدام به مطالبه مهریه نسبت به زنان بی سواد، پیشقدم هستند. درصد بالایی از این زنان امید دارند که با به مطالبه مهریه، همسرانشان را به کانون خانواده بازگردانند. شغل زنان و همسرانشان نیز در اقدام به این عمل تأثیری ندارد. بیشترین علت به مطالبه مهریه ها، وجود اختلاف بین زوجین بوده است.

نتیجه گیری

ابتدا لازم است به تحلیل نتایج توصیفی حاصل از پاسخ های جامعه مورد مطالعه بپردازیم. یکی از متغیرهای مورد توجه محقق، سن زنان مراجعه کننده در اقدام به مطالبه مهریه بوده است. چنانکه اشاره شد، بیشترین مقدار فراوانی مربوط به زنانی می شود که سن آنها کمتر از ۳۰ سال بوده است (۴۸٪ درصد).. تعداد زنان مراجعه کننده ای که در فاصله ی سنی ۳۱ الی ۵۰ سالگی قرار دارند ۴۴٪ درصد، و زنان بالای ۵۰ سال تنها ۸٪ درصد نمونه را تشکیل می دهند.

نتیجه ای که از جدول فوق بر می آید این است که زنان جوان تر تمایل بیشتری برای اقدام به مطالبه مهریه خود دارند و این مسئله را می توان بر مبنای یافته های تحقیق، با «امید به زندگی بهتر» برای آنها توجیه نمود؛ زیرا با این عمل یا همسران خود را مجاب به ادامه زندگی بر مبنای خواست خود می کنند و یا در صورت طلاق، به داشتن آینده ای بهتر امیدوارتر هستند. اما زنانی که سن بالاتری دارند در صورت اقدام به عمل یا به خواسته خود نمی رسند (چنانکه در مصاحبه های انجام شده نیز به آن اشاره گردید، بیشتر زنان اینگونه بیان داشته اند که امیدوارند با به مطالبه مهریه، شوهران را به خانواده برگردانند) (اگرچه یقین ندارند که چنین نتیجه ای حاصل شود)، و یا نتیجه ای

جز طلاق عایدشان نخواهد شد که با توجه به سن بالاتر، نمی‌توانند به داشتن آینده‌ای بهتر نیز امیدوار باشند.

یافته دیگر تحقیق به بررسی سن همسر مراجعه کننده‌ها پرداخته است. بررسی داده‌ها نشان از این واقعیت دارد که حدود ۲۶/۷٪ درصد از مراجعه کننده‌ها سنی کمتر از ۳۰ سال دارند (که این رقم در مورد زنان ۴۸٪ درصد بوده است)، ۶۲٪ درصد در فاصله سنی ۳۰ تا ۵۰ سالگی قرار دارند (که این مقدار در مورد زنان ۴۴٪ درصد بوده است). و حدود ۱۱/۳٪ درصد از سن همسران بالای ۵۰ سال بوده است (که این مقدار نیز در مورد زنان ۸٪ درصد می‌باشد). این مسئله تفاوت فاحشی را نشان نمی‌دهد و معمولاً صاحب‌نظران نیز عامل سن را در اختلافات خانوادگی مؤثر می‌دانند، اما این عامل به تنهایی نقش تعیین کننده‌ای در اقدام به طلاق، یا مطالبه مهریه ایفا نمی‌کند؛ چنانکه در همین تحقیق نیز هیچ یک از زنان مورد بررسی، این مسئله را عامل اقدام به مطالبه مهریه بیان نموده‌اند.

یکی دیگر از یافته‌های این تحقیق، بررسی وضعیت کنونی زندگی زوجین می‌باشد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که حدود ۱۵/۳٪ درصد از زنانی که اقدام به مطالبه مهریه نموده‌اند، از همسرانشان جدا شده و برای رسیدن به مهریه که آن را حق خود می‌دانند، اقدام به این عمل نموده‌اند؛ زیرا این گروه از زنان دیگر نمی‌توانند ادعایی برای پایین‌د کردن همسرانشان به زندگی، یا اجابت خواسته‌های خود داشته باشند. اما نتیجه قابل توجه دیگر این است که بیش از ۷۶٪ درصد زنانی که اقدام به این عمل نموده‌اند در حال زندگی می‌باشند و اگر زنانی را که در حال عقد هستند و زندگی خود را شروع نکرده‌اند به آنها اضافه نمایم، حدود ۸۴/۷٪ درصد از زنان مورد بررسی هنوز به ادامه زندگی امیدوار هستند و یا این اقدام را به طور صددرصد مترادف با طلاق نمی‌دانند (اگرچه در برخی از موارد مشاهده می‌شود که زنان، برای واداشتن همسران خود به طلاق دست به این کار زده‌اند). همانطور که در چهارچوب نظری تحقیق نیز یادآوری شد، این اقدام زنان در واکنش به رفتار همسرانشان صورت گرفته است و به گفته این زنان، شوهرانشان از دادن نفقه به آنها خودداری نموده‌اند یا آنها را ترک کرده و یا مورد فحاشی، آزار و اذیت جسمی و روانی قرار داده‌اند و آنها نیز از تنها اهرمی که برای کنترل رفتار همسرانشان داشته‌اند یعنی «مطالبه مهریه» استفاده کردند، تا بتوانند کنش‌های غیرقابل تحمل آنها را کنترل کنند.

یافته‌های دیگر تحقیق به محل زندگی زنانی که اقدام به مطالبه مهریه نموده‌اند، اشاره دارد. از مجموع زنانی که برای این امر به دادگاه‌ها مراجعه کرده‌اند، تعداد زیادی (حدود ۸۶/۳٪ درصد). در داخل شهر تهران زندگی می‌کنند؛ در حالی که تنها ۵/۵٪ درصد از زنانی که در شهرک‌های اطراف تهران زندگی می‌کنند و ۸/۲٪ درصد از زنانی که خارج از تهران می‌کنند، دست به این اقدام زده‌اند.

اگرچه این مسئله را به تنهایی نمی‌توان در اقدام زنان برای مطالبه مهریه مؤثر دانست، اما سهولت دسترسی به مرجعی که به خواسته‌های زنان رسیدگی نماید را نمی‌توان نادیده انگاشت؛ ضمن اینکه نزدیک بودن محل زندگی همسران زنان مراجعه کننده به دادگاه‌ها، این ایده را که دور بودن مردان از خانواده را عامل این اقدام بدانیم، منتفی می‌نماید؛ زیرا دقیقاً آمار محل زندگی همسران با آمار محل زندگی زنان مشابهت دارد (۸۸/۲٪ درصد از محل زندگی همسران داخل تهران، حدود ۴/۲٪ درصد در شهرک‌های اطراف تهران و حدود ۷/۶٪ درصد نیز در خارج از تهران می‌باشد).

پی نوشت

1-Giving And Receiving

فهرست منابع و مآخذ

- انصاری، مسعود (۱۳۵۲). **جرایم و انحرافات جنسی**. تهران: انتشارات بینا،
 امامی، حسن (۱۳۷۳). **حقوق مدنی**. تهران: کتابفروشی اسلامیة،
 امینی، ابراهیم (۱۳۸۶). **آیین همسر داری**. قم: نشر بوستان کتاب قم،
 اعزازی، شهلا (۱۳۸۲). **جامعه‌شناسی خانواده**. تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان،
 باباخانی، زرین (۱۳۷۷). **مهریه (حقوق خاصه زوجه)**. تهران: نشر تاریخ،
 بارتلمه، کریستیان (۱۳۴۴). **زن در حقوق ساسانی**. چاپ دوم. ترجمه دکتر ناصرالدین صاحب الزماني. تهران: مؤسسه مطبوعاتی سلطانی،
 بیرو، آلن (۱۳۶۷). **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان،
 بهنام، جمشید (۱۳۷۱). **ساختارهای خانواده و خویشاوندی در ایران**. تهران: انتشارات خوارزمی،
 پولادی، ابراهیم (۱۳۸۳). **مهریه و تعدیل آن**. چاپ اول. با مقدمه دکتر اسدالله امامی. تهران: نشر دادگستر،
 تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۳). **گفتمان، پادگفتمان و سیاست**. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی،
 تاجانی، بهرام (۱۳۸۴). **قانون ازدواج و طلاق**. قم: انتشارات لاهیجی،

- ترابی، علی اکبر (۱۳۴۱). **مبانی جامعه شناسی**. تبریز: انتشارات اقبال،
- ترابی، علی اکبر (۱۳۵۷). **مبانی جامعه شناسی در ایران امروز**. تبریز: انتشارات احیا،
- ترنر، برایان (۱۳۸۱). **شرق شناسی، پست مدرنیسم و جهانی شدن**. ترجمه غلامرضا کیانی. تهران: بی نا،
- توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹). **نظریه های جامعه شناسی**. تهران: انتشارات سمت،
- جابری عربلو، محسن (۱۳۶۲). **فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی (در باب معاملات)**. تهران: انتشارات امیر کبیر،
- جنکیز، ریچارد (۱۳۸۱). **هویت اجتماعی**. ترجمه تورج یار احمدی. شیراز: نشر شیرازه،
- جوادی آملی (۱۳۸۷). **زن در آینه جلال و جمال**. تهران، نشر اسراء،
- حسینی، شرف الدین (۱۳۸۰). **تبیین جامعه شناسی مهریه**. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)،
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۶۰). **کندوکاوها و پنداشته ها و مقدمه ای بر روش های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران،
- ریتزر، جورج (۱۳۸۱). **نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر**. چاپ ششم. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی،
- زمانی درمزاری، محمدرضا (۱۳۸۴). **مهریه**. تهران: انتشارات بهنامی،
- زیتلین، ایروینگ (۱۳۷۳). **آینده بنیانگذاران جامعه شناسی**. چاپ اول. ترجمه دکتر غلام عباس توسلی. تهران: ناشر قومی،
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۱). **جامعه شناسی خانواده**. تهران: انتشارات کیهان،
- _____ (۱۳۸۳). **روش های تحقیق در علوم اجتماعی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
- _____ (۱۳۷۰). **دایرةالمعارف علوم اجتماعی**. تهران: انتشارات کیهان،
- ساوجی، مریم (۱۳۷۱). **اختلاف حقوق زن در اسلام و خانواده**. چاپ اول. تهران: انتشارات مجرد،
- سرای، حسن (۱۳۷۱). **مقدمه ای بر نمونه گیری در تحقیق اجتماعی**. تهران: انتشارات سمت،
- سیف الهی، سیف الله (۱۳۷۳). **مبانی جامعه شناسی، اصول، مبانی و مسائل اجتماعی**. تهران: انتشارات مرنديز،
- شیخاوندی (۱۳۵۰). داور، **آسیب شناسی اجتماعی**. تهران: انتشارات دانشکده خدمات اجتماعی،
- صدر، حسن (۱۳۷۰). **حقوق زن در اسلام و اروپا**. تهران: بی نا،
- عباسی، محمود (۱۳۸۴). **قانون مدنی**. تهران: انتشارات حقوقی،
- عمید، حسن (۱۳۶۴). **فرهنگ عمید**. چاپ ششم، تهران: انتشارات امیر کبیر،
- حوزه معاونت آموزشی قوة قضائیه (۱۳۸۳). **حقوق شهروندی (مهریه)** چاپ اول. تهران: نشر نی،
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). **جامعه شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری. چاپ چهارم. تهران: نشر نی،
- لکروالاسی، پاملا آبوت (۱۳۸۵). **جامعه شناسی زنان**. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی،
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۶). **نظام حقوق زن در اسلام**. تهران: انتشارات حوزه علمیه،

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). **تفسیر نمونه**. جلد ۳. قم: دارالکتب الاسلامیه،
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). **تفسیر نمونه**. جلد ۱۹. قم: دارالکتب الاسلامیه،
- ملکمیان، لینا (۱۳۸۶). **جزوءروش تحقیق نظری و عملی**. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی رودهن (پلی کپی)،
- "نقد و تحلیل مصوبات حقوقی زنان از طرح تا اجرا، مهریه به نرخ روز". **نشریه کتاب زنان** (پاییز ۱۳۸۰).
- نوابخش، مهرداد (۱۳۸۲). **روشهای نوین پژوهش**. اراک: انتشارات پیام دیگر،
- _____ (۱۳۸۶). **مبانی نظریه در جامعه شناسی**. تهران: انتشارات پردیس دانش،
- نوذری، عزت الله (۱۳۸۱). **تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا مشروطیت**. چاپ دوم. تهران: انتشارات خجسته،
- هاراوی، جان (۱۳۸۴). **درآمدی بر روشهای آماری**. ترجمه لینا ملکمیان و تقی برومندزاده. تهران: نشر دفتر پژوهشهای فرهنگی،
- یقنطر، مارگریت (۱۳۶۲). **ازدواج و خانواده، دوره زندگی مسیحی**. تهران: انتشارات حیات ابدی،